

تأثیر باورهای اعتقادی در حفظ محیط زیست از منظر اسلام

فاطمه احمدی^۱

چکیده

در جهان هستی، حیات همه موجودات زنده بر زندگی یکدیگر تأثیر می گذارد. محیط زیست ظرف کمال انسان است و باید به آن توجه شود تا بتواند کمال انسان را به ظهور برساند. از این رو، شایستگی حفاظت و مراقبت را دارد. وخامت بحران های محیط زیستی تا حدی است که حیات انسان و سایر موجودات بر کره خاکی را به مخاطره انداخته است. از منظر قرآن کریم مالکیت همه اشیا از آن خدا است و مالکیت انسان نسبت به اموالش، مالکیت قراردادی است. بر همین اساس، هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر باورهای اعتقادی در حفظ محیط زیست از منظر اسلام می باشد. روش تحقیق در این پژوهش تطبیقی با تأکید بر روش تحلیل کیفی است، در این پژوهش با رجوع به متون دینی و بیان داده های موجود اخلاق زیست محیطی به بررسی آنها پرداخته می شود. جمع آوری مطالب از طریق مطالعه و فیش برداری از کتابها، مقالات، مجلات و ... در موضوع مورد بحث و نیز با استفاده از کتابخانه های تخصصی و سایت های معتبر صورت می پذیرد. پس از بررسی این نتیجه بدست آمده است که خداوند محیط زیست را برای انسان آفریده اما در عین حال باید در حفظ و آبادانی آن کوشیده و همواره عالم هستی را عزیز بدارد. از این رو با عمل به آموزه های قرآن و احادیث در حفظ و نگهداری محیط زیست کوشا باشد.

واژگان کلیدی: باورهای اعتقادی، خداباوری، معادباوری، محیط زیست.

^۱ طلبه سطح ۲، حوزه علمیه کوثر

مقدمه

دین به عنوان مهم ترین مبین اخلاقی و اخلاق به عنوان رکن اساسی و مبین هر دینی بویژه اسلام که نحوه تبیین آن توسط یک شریعت است می تواند نقش مهمی در اخلاق محیط زیستی داشته باشد. بدون شک محیط زیست سالم یکی از نعمات الهی است که ریشه در جهان بینی توحیدی دارد. اهمیت پرداختن به اخلاق زیست محیطی به اندازه خود بحران محیط زیست است. و اقدام در جهت رفع بحران محیط زیست ضرورت دارد.

مهمترین نگرانی عصر حاضر مشکلات طبیعت و محیط زیست است. فسادى که بشر به دست خویش روی زمین فراهم آورده و زندگی خود را در معرض هلاکت و نابودی و علاوه برآن زندگی دیگر موجودات را تحت تاثیر خود و دستخوش تغییر و نابودی قرار داده است. در این راستا همه روزه در گوشه و کنار جهان اجلاس ها و کنفرانس های علمی تشکیل می گردد و برای رهایی از این تنگنا و مسایل مربوط به آن مطالعه و پژوهش انجام می گیرد. اکثریت صاحب نظران رجوع به اخلاق را بهترین و کارآمدترین راه برای پیشگیری و برون رفت و کاهش این فاجعه بر می شمارند و معتقدند بحران زیست محیطی در جهان امروز در حقیقت یک بحران اخلاقی است و راه حل اخلاقی و اعتقادی را می طلبد.

تحقیقاتی پیرامون حفظ محیط زیست انجام گرفته است. از جمله آن می توان به کتب "دین و نظم طبیعت" نویسنده سین حسن نصر و "اصول تربیت زیست محیطی در اسلام" صادق اصغری لفجانی اشاره کرد. همچنین در مقالاتی تحت عنوان "حفاظت از محیط زیست در آموزه های دینی" نویسنده محمد حسین صیادی اناری و "بررسی تطبیقی حفاظت از محیط زیست در اسلام بر پایه آیات و روایات" به قلم سید مصطفی حسینی شاد نوشته شده است. بیشتر این منابع به طور پراکنده و از یک بعد به موضوع محیط زیست در قرآن پرداخته اند و مقاله یا کتاب کاملی تاکنون در این زمینه ارائه نشده است اما در این پژوهش سعی شده است که به بررسی تاثیر باورهای اعتقادی در حفظ محیط زیست از منظر اسلام بپردازد.

این پژوهش با رویکردی کاربردی جهت حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن و ضرورت حفظ محیط زیست از منظر خداشناسی و اعتقاد به معاد می پردازد.

محیط زیست در لغت

«محیط» به معنای مکان، موقعیت و محیط اطراف یک شخص یا چیز است و منشأ تغییر است. به عبارت دیگر: محیط فراگیرنده و مکان زندگی انسان است.^۱ واژه «زیست» به معنای زندگی و زیستن

^۱ حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۹، ص ۲۱۹؛ معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۷۱۷.

است.^۱ محیط زیست به تمامی محیطی اطلاق می شود که نسل انسان به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت های و در ارتباط با آن قرار دارد.^۲

محیط زیست در اصطلاح

شورای اقتصادی اروپا محیط زیست را این گونه تعریف کرده است: «محیط زیست شامل آب، هوا، خاک و عوامل درونی و برونی مربوط به حیات هر موجود زنده می گردد».^۳

«محیط زیست» در دو مفهوم به کار می رود: مفهوم اول مفهومی است که از علوم طبیعی سرچشمه می گیرد و از منظر زیست محیطی به جوامع انسانی می پردازد. این به معنای مجموعه ای از پدیده های طبیعی و تعادل بین نیروهای رقیب در طبیعت است که زندگی یک گروه بیولوژیکی را به هم پیوند می دهد. معنای دوم از علوم معماری و شهرسازی می آید و به تعاملی که بین ساختمان و محیطی که در آن ایجاد شده است (محیط طبیعی یا مصنوعی) مربوط می شود.^۴

اهمیت محیط زیست در زندگی انسان

محیط زیست طبیعی تأثیر شگرفی بر روحیه انسان دارد. محیط تمیز، زندگی را تازه و خوشبو می کند. همانطور که طبیعت و زمین پاک در رشد گیاهان و کشت بهینه آنها مؤثر است در رشد و نمو انسان نیز مؤثر است و همان گونه که از زمین های شور چیزی نمی روید مگر گیاهان بی ارزش. محیط زیست آلوده نیز تأثیر منفی و آثار زیانباری بر تربیت انسان دارد. امام علی (ع) درباره اثر طبیعت بر انسان فرموده است: «از سرما در آغاز آن (فصل خزان) پرهیز کنید و در پایان آن (فصل بهار) به پیشواز آن بشتابید؛ زیرا سرما بر بدنهای همان تأثیر را می گذارد که بر درختها؛ اول آن سوزاننده و نابود کننده است، و پایان آن رویاننده و شکوفا کننده».^۵

تأثیر اعتقاد به توحید در حفظ محیط زیست

بر اساس مبانی بینش اسلامی، مبدأ هستی تنها خداست. او اصل تمام موجودات و مقوم آنهاست. وحدت خالق سبب اصلی دیگر یعنی وجود هماهنگی و پیوستگی میان تک تک عناصر طبیعت با یکدیگر و با عوالم فوق مادی و در نهایت با خالق یکتای خویش شده است. در این دیدگاه، نه فقط

^۱ معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۱۳؛ حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۵، ص ۳۹۳۹.

^۲ قوام، حمایت کیفری از محیط زیست، ص ۳.

^۳ کیس، مقدمه ای بر حقوق بین الملل محیط زیست، ص ۶.

^۴ تقی زاده انصاری، حقوق محیط زیست در ایران، ص ۶ و ۷.

^۵ دشتی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص ۱۱۴۶، حکمت ۱۲۳.

انسانها به یکدیگر مرتبطاند، بلکه با نگاه و نگرش توحیدی، اشیا و اجزای عالم و حیوانات و جمادات و آسمان و زمین و همه چیز، به یکدیگر متصل و مرتبطاند و همه با انسان خویشاوندند. از این رو، همه آنچه انسان می‌بیند و احساس و درک می‌کند، یک افق و عالم و مجموعه است که در دنیایی سالم و محیطی امن قرار دارد. با این توضیح، مشخص می‌شود که هدف هر برنامه کلانی نباید فقط رشد و تکامل انسان باشد، بلکه باید طبیعت و همه اجزای عالم همراه با انسان به رشد و تکامل خویش برسند. در ادامه به چند مورد اشاره خواهد شد:

۱. برهان نظم و عدم مداخله سوء در محیط زیست

برهان نظم ساده‌ترین و عمومی‌ترین برهانی است که برای اثبات وجود خداوند ارائه شده است. قرآن از موجودات جهان به عنوان «آیات» یعنی علائم و نشانه‌هایی از خداوند یاد می‌کند. در این برهان به‌طور خلاصه، نظم و نظام اشیاء را دلیل و نشانه‌ای بر وجود نیروی نظم‌دهنده‌ای دانسته‌اند. این برهان از عالم طبیعت برای رسیدن به وجود خداوند استفاده می‌کند و از آنجا که عالم طبیعت، نظم و ساختار موجود در آن برای همگان قابل فهم است و نیاز به دانستنی‌های تخصصی و فلسفی ندارد، از دیگر براهین اثبات خدا، برای عموم قابل استفاده‌تر است

اهمیت پرداختن به طبیعت زمانی آشکار می‌شود که یکی از قوی‌ترین شواهد در اثبات وجود خداوند از محیط و نظم موجود در طبیعت استخراج شود که به شکل گیری برهان نظم می‌انجامد. قرآن کریم، آسمان‌ها و زمین را آیه عظمت خداوند می‌داند: «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ»^۱ «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّسَنِاتِكُمْ وَ الْوَاوَنُكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ»^۲ خداوند روییدن گیاهان را در زمین آیه ای از خود دانسته است: «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْاَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ»^۳ و زندگی زنبور عسل و استفاده از شهد گل برای تولید عسل نشانه ای برای اهل تامل است: «وَ مِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»^۴ طبیعت، مظهر خداوند متعال است و انسان در آن حضور الهی را می‌بیند: «وَإِنَّمَا تُولَوُا فَتْحًا وَجْهَ اللَّهِ»^۵ قرآن کریم آسمان، ستارگان، خورشید، ماه، ابرها، باران، جریان‌های باد، حرکت کشتی‌ها در دریاها، گیاهان و حیوانات و در نهایت هر چیز ملموسی

^۱ عنکبوت، ۴۴

^۲ روم، ۲۲

^۳ شعراء، ۷-۸

^۴ نحل، ۶۷

^۵ بقره، ۱۱۵

را که انسان در اطراف خود می بیند، به عنوان موضوعاتی بیان می کند. باید فکر کرد اشاره شد که خداوند انسان را به مراقبه و مطالعه آسمان ها و زمین دعوت می کند: «قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۱ حقیقت این است که اشغال محیط زیست و برهم زدن نظم میان عناصر طبیعت، نابودی هر موجودی و عدم تعادل در کل نظام آفرینش را در پی خواهد داشت.^۲

با مطالعه آیات قرآن کریم که مستقیماً به این موضوع مربوط می شود، در می یابیم که هستی دارای شعور و اختیار است: فعالیت های جوامع بشری همواره بر اساس دو نوع جهان بینی خداپاورانه و مادی گرایانه هدایت می شود. دو جهان بینی که در بالا ذکر شد، دو نوع تفکر و در نتیجه دو شیوه برخورد با محیط زیست و طبیعت را ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، رابطه انسان با دنیای بیرون (محیط زندگی) مبتنی بر دو نوع جهت گیری نسبت به آن است، زیرا نگاه مادی به جهان، طبیعت را موجودی ناخودآگاه می داند که اجازه هر نوع مداخله ای را می دهد و انسان موفق کسی است که مجهز به فناوری است و طبیعت را بر توانمندی های علمی خود غرق می کند و تا حد امکان از آن بهره می برد. در حالی که در دیدگاه الهی و در اسلام، فطرت موجودی عاقل و نشانه خداوند شمرده می شود: «سُنِرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ...» به زودی نشانه های خود را در سراسر جهان و درون روحشان به آنها نشان خواهیم داد...»^۳

طبیعت، در بینش اسلامی حافظ اسرار و رازدار است، طبیعت در این زمینه امین است که اسرار را جز به فرمان پروردگار حکیم آشکار نمی کند؛ همانطور که قرآن کریم می فرماید: «وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا؛ و زمین بارهای خود را بیرون آورد».^۴ بنابراین اولاً طبیعت، نسبت به ما و کردار و رفتار ما بدون درک و شعور نیست. ثانیاً طبیعت، اعمال ما را ثبت می کند و در دل خود نگه می دارد و هیچ عملی انجام نمی شود مگر اینکه در دل طبیعت بدون ضرر حفظ شود و چیزی به دست تباهی و فراموشی نمی ماند. بر این اساس باید گفت که طبیعت، پرونده و نامه اعمال ماست. ثالثاً این آرشیو در قیامت مورد بررسی قرار می گیرد: «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا؛ در آن روز اخبار آن اعلام خواهد شد»^۵

چنانکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «إِنَّ الْأَرْضَ لَتَخْبِرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِكُلِّ مَا عَمَلَ

^۱ یونس، ۱۰۱

^۲ صادق پور، کرامت انسان در قرآن، ص ۳

^۳ فصلت، ۵۳

^۴ زلزله، ۲

^۵ همان، ۴

انسان از او کار نکشد، پشت حیوان را محلی که بر روی آن بنشیند و با دیگران سخن بگوید قرار ندهد (بی جهت بر روی حیوان سوار نشود)، هر گاه پیاده می شود به فکر تهیه علوفه و خوراک حیوان باشد، او را دشنام ندهد، به صورت حیوان نزد زیرا او تسبیح خداوند را می گوید، هر گاه بر آب رسیدند آب را بر او عرضه کند»^۱.

صاحب گوهر در کتاب خود چنین نوشته است «باید توجه داشت که نفقه حیوانات اندازه معینی ندارد و آنچه واجب است برآوردن نیازهای خوردنی و نوشیدنی و تهیه محل سکونت مناسب برای حیوان است که با توجه به زمان، مکان و نوع حیوان فرق می کند. اگر مالک حیوان نتواند یکی از امور یاد شده را انجام دهد حاکم به نیابت از او آنچه را که مصلحت بداند انجام می دهد.

اگر حیوان بچه شیری داشته باشد، باید مالک اجازه دهد به اندازه کافی از شیر مادرش بنوشد؛ زیرا نوشیدن شیر به اندازه کافی از نفقه حیوان به شمار می آید. مستحب است دوشنده شیر ناخن خود را کوتاه کند تا حیوان اذیت نشود. جایز نیست حیوان باربر را به گونه ای بار کند و از آن بهره برد که طاقت آن را ندارد و به همین دلیل است که در روایات نهی شده است از سوار شدن سه نفر بر یک حیوان و سزاوار است که برای زنبور عسل که مقداری از عسل را در کندو نگه دارد»^۲.

ادعایی که به استناد برخی آیات و روایات مطرح می شود آن است که در جهان بینی اسلامی همه موجودات از جمادات گرفته تا گیاهان، انسان ها و ملائک، همگی صاحب شعور و ادراکند. اما هر استعدادی، حقی ایجاد می کند، از آن جا که شعور و قدرت ادراک دارند، پس حقی برای آنها ایجاد می شود. ولی در قبال هر حق تکلیفی برای طرف مقابل تعامل به وجود می آید، بنابراین انسانها در برابر رفتار خود با طبیعت مکلف به حفظ حقوق آنها و مسوولند. آنچه که در چهار چوب و حدود حقوق آنها را برای ما بیان می کند شریعت است. برای مثال شریعت بیان کرده که حق گوسفندی که قصد ذبح آن را دارید آن است که پیش از ذبح آب داده و «بسم الله الرحمن الرحيم» تلاوت شود.

در دایره تنوع زیستی در جهان، حیوانات بخش عظیمی از آن را به خود اختصاص داده اند. درقرآن کریم بیش از ۲۰۰ آیه وجود دارد که به موضوع حیوانات در آن پرداخته شده است. برای همین هم در روایت های دینی همیشه آزار و اذیت حیوانات به سبب اینکه مخلوق پروردگارند و تسبیح او را می گویند نهی شده است.

از حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم نقل شده است که فرموده: «در شبی (شب معراج) مرا

^۱ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۳۵۰

^۲ نجفی، جواهرالکلام فی الشرح شرائع الاسلام، ص ۳۹۴

بر جهنم سیر دادند تا از چگونگی آن آگاه شوم زنی را دیدم که شکنجه می‌شود، از علت عذاب شدن وی پرسیدم . در پاسخ گفتند: او گربه ای را بست و به او آب و غذا نداد و رهایش نکرد و این عمل به مردن گربه انجامید و به همین دلیل است که عذاب میشود.

در سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله، مدارا و مهربانی عجیبی نسبت به حیوانات مشاهده می‌شود. آن حضرت مرتب درباره حقوق حیوانات اهلی و خانگی سفارش می‌فرمود و هرگز اجازه نمی‌داد کسی بدون دلیل، پرندۀ یا حیوان وحشی را شکار کند یا بپازارد؛ چه آنکه بر اساس جهان بینی اسلامی، همه موجودات هستی، آیات الهی به شمار می‌روند و حق حیات دارند و از ارج و احترام ویژه‌ای برخوردارند. از این رو در قیامت، از آدمی درباره همه خیر، حتی موجودات زنده‌ای که در خانه‌ها نگهداری می‌شوند [همانند سگ و گربه] بازخواست می‌شوند.^۱

۲. پرهیز از تخریب محیط زیست و سعی برای سالم سازی

در اسلام، شناخت اصول زیست محیطی و تحصیل آن و پرهیز از تخریب آن و سعی برای سالم سازی آن، از بارزترین حقوق انسانی و نیز از روشن ترین تکالیف بشری به شمار می‌آید. به همین منظور، هم از آلوده نموده هوا، کوی و برزن و اماکن عمومی تحذیر و نهی شده و هم اگر چنین رخداد تلخی مشاهده شد، برای برطرف کردن آن، ترغیب و امر شده است. چنانکه امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا. قِيلَ: وَ كَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: يَنْظَفُ ثَوْبَهُ وَ يَطَيِّبُ رِيحَهُ وَ يَجْصَصُ دَارَهُ وَ يَكْنِسُ أَفْنِيَّتَهُ...؛ هنگامی که خداوند بر بنده‌ای نعمت می‌بخشد دوست دارد تا اثر آن را بر وی ببیند».

انسان جانشین خدا در روی زمین است و بار سنگین امانت الهی را در این جهان به دوش دارد، از این روی در مقابل این امانت مسئول است و باید پاسخ گو باشد. بدین سان هم مسئولیتی که برخاسته از پاسخ گویی انسان‌ها در آن جهان است و هم مسئولیت در برابر خدا ایجاب می‌کند که انسان پیوسته در رفتار خود با طبیعت مواظبت داشته باشد و نباید زیبایی‌ها، سودمندی‌ها و نظم شگفت‌انگیز طبیعت را در آستانه حرص، طمع، قدرت طلبی و فزون خواهی خود قربانی کند.

در این جاست که اسلام به ما می‌آموزد تا نه تنها فرد به فرد دنبال پرهیزگاری و کسب آن باشیم، بلکه چگونه زندگی دنیوی را اداره کنیم. برای آن که فهم گسترده تری از مفهوم حیات در زمین داشته باشیم، لازم است تا قوانینی را که خالق هستی وضع نموده درک کنیم و به آن‌ها احترام بگذاریم. هر فعالیتی که لازمه آن مشارکت اجتماعی است و یا هر فعالیتی که بر سایر اشیا و موجودات تأثیر می‌گذارد،

^۱ فلسفی، گفتار فلسفی: معاد از نظر روح و جسم، ج ۲، ص ۲۱۱

باید به قوانین فیزیکی طبیعت و نظم اخلاقی و معنوی که خداوند وضع نموده است، مطابقت داشته باشد.

در این میان کسی که از قدرت برتری برخوردار است، وظیفه سنگین‌تری متوجه اوست. به عنوان مثال اگر کسی سمتی را در دولت اسلامی به عهده بگیرد و مسئول بخشی از بخش‌های حکومت دینی شود، موظف است هر آن‌چه را که برای حفظ حیات، سلامت، حیثیت اجتماعی و مانند آن، نسبت به خود به کار می‌برد، برای همگی مردم نیز تأمین کند. اگر خود از بهداشت و محیط سالم برخوردار است، موظف است آن را برای تمام شهروندان فراهم نماید. این دستور رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در برنامه حکومتی جانشین آن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام تحقق یافت. زیرا امام علی علیه السلام چنین فرمود: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَلْبَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَجِ ؛ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ؛ اهتمام تو به آباد نمودن زمین، بیش از همت گماردن تو، به جمع درآمد باشد. معلوم است که با آلوده بودن محیط زیست، هم نیروی انسانی در معرض آسیب است و هم امکانات طبیعی».^۱

نتیجه‌گیری

باید پذیرفت که معضل کنونی محیط زیست، مانند بسیاری از مشکلات معاصر در عدم باورمندی آدمیان به عالم بالا ریشه دارد که بیشتر آن در غرب چهره وانموده است. غرب و تمدن آن، زمین و امکانات موجود در آن را ملک طلق خود دانسته و با دید اقتصاد محور و خود انگار، به طبیعت رو آورده و در جهت کسب منافع بیشتر و تصرف بازار تولید و مصرف، چهار نعل به پیش تاخته است و در این باره و برای نیل به هدف مزبور، همه امور دیگر برای او جز وسیله و ابزاری، تلقی نمی‌شود. در نتیجه،

^۱ دشتی، نهج البلاغه، نامه ۳۵

سردمداران سیاست و کمپانی‌ها و کارتل‌های غربی در یک رقابت نفس‌گیر منفعت‌محور، جهان را به جایی کشانده‌اند که امروزه در بخش طبیعت، از آن به بحران محیط زیست یاد می‌گردد و هر روز بر دامنه مشکلات اش افزوده می‌شود.

بدین ترتیب، حل معضل محیط زیست، بیش از همه نیازمند اصلاح نگرش بشر نسبت به جهان، به ویژه طبیعت و محیط پیرامون آن است و اسلام با دادن بینش الهی به انسان و امانت دانستن زمین و طبیعت در دست وی و وا داشتن او به امانت داری و مسئولیت‌پذیری، مهم‌ترین مبنای فکری و ارزشی را برای پیشگیری از آلودگی محیط زیست و حفاظت از آن ارائه داده است و معصومان ما که تجسم اسلام راستین و آموزه شریعت و نمونه‌های کامل انسانیت در زمین‌اند، بیش از دیگران در حفاظت محیط زیست و تعامل آینده‌نگرانه و سازنده با طبیعت، کوشیده و بشریت را راهنمایی نموده‌اند تا در گرداب دست‌ساخته و آزمندانه خویش تحت عنوان بحران محیط زیست گرفتار نشوند.

طبیعی است که عدم اعتقاد به توحید و معاد و نیز عدم توجه به تسبیح‌گویی و دارای شعور بودن موجودات، مشکل عمده و منشأ اصلی بحران زیست‌محیطی است که گاهی به صورت ادبار از معنویت و رویکرد شدیداً مادی جوامع و انسانها، از جمله دولت‌ها خود را نشان داده و مورد تأکید پژوهشگران امر قرار گرفته است و زمانی تحت عنوان مادی‌گرایی و اقبال بی‌رویه و مهار گسیخته به انباشت ثروت و غارت طبیعت، از آن، یاد شده است.

منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. اصغری لفجائی، صادق، اصول تربیت زیست محیطی در اسلام، تهران: مرکز نشر سپهر، ۱۳۸۴.
۲. تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق محیط زیست در ایران، تهران: سازمان سمت، ۱۳۹۴.
۳. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، چاپ پنجم، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۸.
۴. حسینی دشتی، سیدمصطفی، معارف و معاریف، تهران: آرایه، ۱۳۸۵.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۶. رادمنش، سیدعلیرضا؛ الفت، لعیاء، مبانی پایداری زیست محیطی زنجیره تأمین با رویکرد الگوی اسلامی پیشرفت، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۲، ۱۳۹۶.
۷. سیستانی، علی حسینی، قاعده لاضرر و لاضرار، قم: مکتبه آیت الله العظمی سیستانی، ۱۴۱۴ ق.
۸. شفیعی مازندرانی، سید محمد، طبیعت و محیط زیست از نظر قرآن و سنت، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.
۹. صادق پور، طیب، کرامت انسان در قرآن، بینات (موسسه معارف اسلامی امام رضا (علیه السلام))، شماره ۵۳، ۱۳۸۶.
۱۰. طباطبائی، محمدحسین، المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۲ ه.ق.
۱۱. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی: معاد از نظر روح و جسم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۲. قوام، میرعظیم، حمایت کیفری از محیط زیست، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۳. کیس، الکساندر، مقدمه ای بر حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
۱۴. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۱۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: زرین، ۱۳۸۷.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، اصفهان: مدرسه الامام امیرالمومنین، ۱۴۱۱ ق.